



کومه‌له را به عنوان الگو در برابر فرزندان خود قرار میدهند. اکنون هم بیشتر از گذشته هزاران جانباخته راه رهایی و آزادی و خانواده‌هایشان، مورد احترام عمیق مردم کردستان هستند. جای خود دارد که همه ما بار دیگر در پیشگاه این جانباختگان و آرمان‌والایشان سر تعظیم فرود آوریم و بار دیگر با آنان تجدید عهد کنیم که سنتهای نیروی پیشمرگ کومه‌له را حراست میکنیم و در ارتقای آن با جان و دل میکوشیم. اکنون که بیش از یک ربع قرن از فعالیت این نیرو میگذرد و در شرایطی که جامعه‌ی ایران و کردستان تحولات بزرگی را از سر میگرداند و بار دیگر موج آزادیخواهی و میل به رهایی در درون جامعه با قدرتی چشمگیر قد علم نموده است، تاثیرات این نیرو به عنوان شاخه‌ای از بدنه کومه‌له، بیش

از پیش نمایان است و هم موضوع گیری و نقش آتی کومه‌له و نیروی پیشمرگش موضوع مورد بحث در تحولات آتی است. کمیته مرکزی کومه‌له_ سازمان انقلابی زحمتکشانش کردستان ایران، به مناسبت فرا رسیدن سالیاد تاسیس نیروی پیشمرگ کومه‌له، بر صحت تصمیم آن زمان رهبری کومه‌له برای ایجاد نیروی پیشمرگ مهر تأیید میزند و بر حفظ، ارتقا و آموزش نیروی پیشمرگ در شرایط کنونی تأکید می‌ورزد. تا زمانی که خفقان و دیکتاتوری در ایران حاکم است، تا وقتی که کردستان میلیتاریزه است و تا هنگامی که منطق گلوله را بر فضای سیاسی کردستان حاکم گردانیده‌اند، ضرورت وجود، توسعه و استحکام نیروی پیشمرگ کومه‌له و فعالیت نظامی و حضور این نیرو به قوت خود

باقی خواهد بود. ما تردیدی نداریم که در مبارزات کنونی و آتی مردم کردستان، اعتراضات و مبارزات سیاسی مردمی، مبارزه مدنی و مبارزه فرهنگی و روشنفکری نقشی به مراتب بیشتر از پیش داشته و خواهند داشت. اما این امر به هیچ وجه به معنی کاهش ارزش و نقش یک نیروی نظامی انقلابی و توده‌ای نیست. لذا آماده سازی، آموزش، ارتقا و گسترش نیروی پیشمرگ کومه‌له از اهم وظایف ماست. گسترش ارتباط این نیرو با مردم کردستان و با همه بخشهای تشکیلات کومه‌له از دیگر وظایف دوره آتی ما خواهد بود که باید در تعیین و تثبیت آن کوشید. در آخر لازم می‌بینیم که در سالروز نیروی پیشمرگ کومه‌له، درود خود را نثار همه آن کسانی نمائیم که در تقویت این نیرو سهمی ادا نموده و

گرامی و پرشکوه باد روز پیشمرگ کومه‌له
مرگ بر دشمنان آزادی، سرنگون باد رژیم اسلامی ایران
کمیته مرکزی کومه‌له_ سازمان انقلابی زحمتکشانش کردستان ایران
۱۸ خرداد ۱۳۸۴

ادامه اعلامیه مشترک چند سازمان.....

قیمومت افرادی محدود را بر سرنویشت کشور و آراء مردم توهین به ملت ایران دانسته و برای تأمین مشارکت عمومی در مسائل کشوری، راهی جز تغییر بنیادین در ساختار قدرت نمی بینیم. "روشنفکران آزاداندیش کشور، سپس نظر خویش را درباره این انتخابات با صراحت تحسین برانگیزی چنین اعلام کرده اند:

"با توجه به ظرفیت و ساخت قانون اساسی و عملکرد مسئولین و از جمله شورای نگهبان در تفسیر و اجرای آن، در حال حاضر، حق تعیین سرنویشت از طریق انتخابات آزاد و منصفانه مطابق استانداردهای بین المللی و جهت گیری اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق های مدنی _ اجتماعی و اقتصادی از ملت ایران سلب شده است و عملاً نتیجه انتخابات به نفع مقامات انتصابی و غیر پاسخگو مصادره شده است. " آنان سپس تصریح کرده اند: " در این انتخابات، نه کاندیداتی را تأیید و نه رای خواهیم داد " امروز بر اساس مجموعه شواهد و قرائن و حتی نظر سنجی های خود نهادهای وابسته به رژیم، احتمال مشارکت بالای مردم در انتخابات بسیار ضعیف است. جریانهای سیاسی و روشنفکران کشورمان نیز در هیچ دوره ای چنین وسیع و منسجم در مقابل انتخابات قرار نگرفته اند. همه جناح های رژیم برای مشروعیت بخشیدن به آن، به امید مشارکت حداکثری مردم در این انتخابات نشسته اند. به شکست کشاندن این هدف با عدم مشارکت و خلوت گذاشتن خیابانها و اطراف مراکز رای گیری و خالی ماندن صندوق ها از آراء امکان پذیر است.

ما احزاب و سازمانهای امضاء کننده این اعلامیه، ضمن پشتیبانی از پیام اصلی بیانیه ۶۱۵ از شخصیت های سیاسی و آزادیخواه کشور، که " نه " به انتخابات فرمایشی و ضرورت تغییر بنیادین ساختار قدرت است، بر اهمیت اتخاذ یک راهکار موثر، ملموس و کم هزینه، که بتواند برای اکثریت مردم ایران جذاب باشد، تأکید می نمائیم.

ما فکر می کنیم آن راهکارهایی که در چارچوب " نه " به انتخابات قرار دارد اگر حول آنها همدلی و همصدائی شکل گیرد، موجب تقویت مضاعف جبهه آزادیخواهان شده، و مانع از سوء استفاده حکومت از نمایش انتخابات خواهد گردید. از اینرو روشنفکران، نویسندگان، روزنامه نگاران، کارگران، دانشجویان و همه کسانی که دل در گرو آزادی و دموکراسی دارند، دعوت می کنیم که " نه " یکپارچه خود را به انتخابات با عدم شرکت در این بازی رای گیری به نمایش گذارند.

کومه له - سازمان انقلابی زحمتکشانش کردستان ایران
حزب دمکرات کردستان ایران
سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

ادامه مصاحبه رادیو صدای آمریکا با رفیق عبدالله مهتدی.....

کار درستی نیست و باید کاری کرد که آنها را هم بازی داد و توی تصویر عمومی عراق بتوانند نمایندگانی داشته باشند. آقای طالبانی و خیلی از رهبران کرد کلاً در این راستا تلاش می‌کنند. عوامل دیگر که می‌تواند به این وضع خاتمه بدهد، در واقع کاهش دادن و نپایان قطع فعالیتهای تروریستی هست که هنوز در عراق متأسفانه انجام می‌گیرد و باعث می‌شود این دو بخش از جامعه عراق را در مقابل هم قرار بدهد. می‌شود گفت نیروهای افراطی تلاش عاملانهای برای این کار دارند و بایستی جلوان آن را گرفت. یعنی آینده عراق بستگی به این داره که جلوان این افراط کارها از هر دو طرف گرفته شود.

س: آقای مهتدی اگر اجازه بدهید در مورد ایران صحبت بکنیم، خود جنابعالی از مبارزان دوران شاه بودید در زمان شاه چندین بار به زندان رفتید، به خاطر فعالیت‌هایتان، در حال حاضر در مورد انتخابات در ایران گفته می‌شود، که البته این سوال را با آقای دکتر سبحانی هم مطرح کردم، شایع است که در ایران اینها تنها مانورهای هست که خود رژیم به آنها دست می‌زند. یعنی تغییر دادن یا رد صلاحیت یا قبول کردن صلاحیت بعضی از اصلاح طلبان و کاندیدای اصلی که آقای هاشمی رفسنجانی باشند مشخص هستند. نظر جنابعالی در این مورد چیست؟

ع: مسلماً دولت جمهوری اسلامی ایران بد طولایی در مانورهای فریبنده داره، ولی من تمام جدالهای درونی آنها را صرفاً یک مانور یا نمایش نمی‌دانم، تضادهای واقعی هم بین آنها وجود دارد. تفاوت انتخابات فعلی شاید با تمام انتخابات قبلی در این است که اینبار، افرادی با اسم و رسم و با امضای خودشان انتخابات را در داخل کشور تحریم کردند، یعنی موج عدم شرکت در انتخابات و ابراز این ناراضی از پروسه بسیار غیر دمکراتیک انتخابات بیش از هر زمانی، به نظر من، در ایران علنی شده و رو آمده است. آقای معین رو حذف کردن که کاندیدای اصلی اصلاح طلبان دولتی بود و حالا دوباره بعد از خواست آقای خامنه‌ای دوباره آوردنش. هدف از این کار این است که اگر بپذیرد این بازگشت مجددش به لیست کاندیداتوری، معنی‌اش این است که حکم حکومتی را پذیرفته است و به این ترتیب محافظه کاران و شورای نگهبان می‌خواهند نشانش بدهند که اینها بودند که آوردنش و بنا براین دو احتمال ضعیفی که اگر فردا ایشان به ریاست جمهوری برسد همیشه اینها یادآوریش می‌کنند که اگر شما خودتان با این وضع آمدید و اگر نخواهند، در مقابل این انتخاب فرارنش می‌دهند. خیلیها از نیروهای دانشجویی در ایران مصرّاً از آقای معین خواسته‌اند که این حکم را قبول نکند.

س: آقای مهتدی، در مورد حقوق اقلیتهای می‌خواستیم از حضراتان سوال بکنم، یکی از حقوق اساسی مردم، حقوق اقلیتهاست که مرتب از سوی جمهوری اسلامی نقض می‌شود. در مورد کردها نظراتان چیست و با چه وضعیتی روبرو هستند؟

ع: متأسفانه سیاست بسیار تبعیض آمیزی در مورد کردها وجود دارد. در زمینه برنامه‌های توسعه اقتصادی، در زمینه سرمایه‌گذاری، در زمینه آموزش و تحصیل به زبان مادری، در زمینه اشتغال و گرفتن پستها، حتی نرخ بیکاری بالاتر از جاهای دیگر است. حتی نرخ اعتیاد بالاتر از جاهای دیگر است. فشار سیاسی بالاتر از جاهای دیگر است حتی روزنامه‌ها که مشابهنشان را در تهران اجازه می‌دهند اما در کردستان نمی‌دهند. وضع بسیار نادرستی در این زمینه و تبعیض آمیزی در این زمینه وجود دارد. فقط یک ایران فدرال می‌تواند همبستگی مردم کشور را حفظ کند و در عین حال حقوق اقلیتهای رو تأمین بکند.

اپوزیسیون در این کنگره وجود داشت که این حزب را به این نتیجه رسانده است؟ این ادعا جز خودفریبی و گام زدن آگاهانه در مسیری اشتباه چیز دیگری نیست.

در قسمتهای پایانی اعلامیه شاهد اوج اشتباهات هستیم. کمیته مرکزی حزب توده با اشاره درست به اینکه برگزاری انتخابات در رژیم ولایت فقیه نمی تواند انتخاباتی آزاد و دموکراتیک باشد، به این نتیجه اشتباه می رسد که شرکت مردم در انتخابات از یک دست شدن حاکمیت جلوگیری کرده و باید به عنوان یک تاکتیک از آن استفاده کرد و باید «نیروهای اجتماعی از جمله جوانان و دانشجویان، کارگران و زحمتکشان وزان ایران» را برای آن سازماندهی کرد تا راه به سمت رهایی کشور از بندهای استبداد رژیم ولایت فقیه گشوده شود. در اینجا باید اشاره شود که در جنبش توده ای مورد اشاره این حزب، هیچ حرفی از جنبشهای ملی که یکی از پایه های اساسی جنبش دموکراتیک موجود است به میان نیامده و از آن صرف نظر شده است.

با چنین نظراتی از سوی حزب توده ایران، این حزب خود را در ردیف شوونیسم حاکم و همراه با سیاستهای رژیم قرار می دهد که قصد دارد با هر ترفندی مردم را به شرکت در انتخابات تشویق کند و از بحرانهای عمیق خود بکاهد. معلوم نیست که این حزب با کدام دیدگاه "چپ و مترقی" سعی دارد جنبش توده ای مردم را در راستای کاهش بحرانهای یک رژیم توتالیتر سازماندهی کند؟ آیا در یک کشور دیکتاتوری بحران زده، یک جنبش عمومی راه دیگری بغیر از سازمان یابی در جهت افزایش بحران و باز کردن راه برای یک نظام تماماً دموکراتیک در پیش دارد؟ آنچه که حزب توده از آن حمایت می کند دیدگاهی انحرافی است که قصد دارد با منحرف ساختن «جنبش عمومی خلق» آن را در خدمت مشروعیت بخشیدن به رژیم آخوندی قرار دهد و این عملاً به معنی تأیید و همسویی با جایزهای این رژیم در پایمال کردن حقوق طبقات فرودست جامعه، حقوق ملیتها، زنان و دیگر اقشار اجتماعی است. بنابراین این تاکتیک هم از سیاست چند دهه گذشته این حزب که قربانی نمودن توده ها و مبارزانشان است، جدا نیست. اینها فقط به بالای ها چشم دوخته اند.

اصلاح رژیم در تلاشند تا با محور نظام حاکم بر ایران نظامی دموکراتیک و مردمی را برقرار سازند. اکنون رژیم جمهوری اسلامی با افتادن در بحران عمیق عدم مشروعیت به شدت در تنگنا افتاده و در تلاش است تا با کشاندن مردم به پای صندوقهای رای نقطه اتکایی برای خود پیدا کند و به سیستم توتالیتر خود تداوم بخشد. اکنون نیز این رژیم همچون تمام سالهای حاکمیت خود توسط خائنان به آرزوهای مردمی انقلاب ۵۷ اداره می شود و شرکت در انتخابات تنها

تلاش برای منحرف ساختن « جنبش

عمومی خلق»

(بررسی انتقادی اعلامیه حزب توده ایران درباره انتخابات)

ریویر تاج گردون

تأیید تداوم خیانت است.

حزب توده ایران متوهم به اصلاح طلبان دولتی، در نمی یابد که تلاشهای کنونی اصلاح طلبان، بازارگرایی برای انتخابات و تلاش برای قدرت یابی دوباره خود و همچنین تلاش برای القای این تفکر به مردم است که این رژیم از پتانسیلی که می تواند تحقق بخش آزادیهای دموکراتیک باشد، برخوردار است. اما سالها حاکمیت این رژیم نشان داده است که این سیستم، سیستمی غیر دموکراتیک است که تمام راههای رسیدن به جامعه های آزاد و دموکراتیک توسط ساختارهای نهادی و قانونی آن مسدود شده است و بازگشایی این راهها تنها با ریشه کنی این ساختار امکان پذیر است. اما شگفت انگیزتر اینست که حزب توده اعلام می کند که شرکت معین در انتخابات «و برگزاری کنگره هواداران معین گام درستی در راه پایه ریزی یک اتحاد مردمی، نه پراچوبهای ارتجاعی ((خودی و غیر خودی)) بلکه برپایه جداسازی صف خلق از غیر خلق است». جالب است که سران حزب توده ایران به این نتیجه رسیده اند که شرکت کنندگان در کنگره هواداران معین، نمایندگان واقعی اقشار، طبقات و ملیتهای ایران هستند و اعلام حمایت آنان از معین به معنی خلقی بودن معین و نفی چارچوب «خودی و غیر خودی» رژیم است. در این کنگره نمایندگان واقعی کدام ملیت و کدام طبقه کارگر و زحمتکش و توده های تحت ستم وجود داشتند؟ کدام نیروی

فرودست جامعه و یا نماینده هیچکدام از اقلیتهای ملی و مذهبی ایران نیست و اگر انتخاباتی دموکراتیک و بدون نظارت استصوابی و... برگزار می شد، حزب توده می توانست نمایندگان واقعی توده های مردم را ببیند. بنا براین نمایاندن معین به عنوان نماینده توده های مردم یکی از اشتباهات معمول این حزب در مورد انتخابات است. خطاها ادامه می یابد. حزب توده با اشاره به «بنیادهای نظری» خود، شرکت در انتخابات را « حرکت به سمت رها کردن میهن از

بختک رژیم ولایت فقیه» نام می نهد.

عجب! آیا با شرکت در انتخابات فرمایشی رژیم می توان از دست رژیم ولایت فقیه خلاصی یافت؟ آیا با مشروعیت بخشی به رژیمی که عامل پایمال کردن حقوق کارگران و زحمتکشان، عامل تداوم ستم ملی و سرکوب جنبشهای دانشجویان، زنان و ... می باشد، مبارزه با رژیم است؟ آیا رای دادن به شخصی که توسط این رژیم تأیید شده و با قبول میانی رژیم ولایت فقیه به میدان غیر دموکراتیک انتخابات وارد شده، در راستای جنبش مردمی سراسری است؟ جواب مثبت فقط در منطق حزب توده ایران یافت می شود.

ادامه اعلامیه سردرگمی نظری

این حزب را بیشتر نشان می دهد. اعلامیه در ادامه با اشاره به انتخابات خرداد ۷۶، اعلام می کند که آزمون گشته است: «اعتقاد ندارد که می توان با حفظ چارچوب ساختار استبدادی، یعنی حاکمیت ولایت فقیه بر امور، تحقق خواسته های مردمی را به پیش برد». چرا این حزب اکنون به این نتیجه رسیده است که شرکت در انتخابات، مشروعیت بخشی به چارچوب ساختار استبدادی کنونی ایران نیست؟ چرا امروز فراخوان شرکت می دهد، درحالی که همگان ماهیت ضد مردمی اصلاح طلبان دولتی را به چشم دیده اند؟ روشن است که اکنون اصلاح طلبان دولتی در بدترین وضعیت خود بسر می برند و مردم سرخورده از اصلاح طلبان دولتی و بی باور به

تحریم انتخابات آینده ریاست جمهوری ایران، یکی از شعارها و سیاستهای احزاب، سازمانها و شخصیتهای واقع بین داخل و خارج ایران است. بانوجه به ساختار کنونی سیستم سیاسی ایران، یعنی سیستم غیر دموکراتیک و دیکتاتوری ولایت فقیه و برخوردار نبودن از ظرفیت برگزاری انتخابات آزاد و ایجاد فضای باز سیاسی، اعلام تحریم انتخابات از سوی جریانهای سیاسی گوناگون سیاست درستی است که بانوجه به این واقعیتها و برای سلب مشروعیت از چنین نظامی اتخاذ شده است. امر جالب توجه در این میان، حمایت حزب توده ایران از انتخابات آینده ریاست جمهوری و تشویق مردم به شرکت در انتخابات است، حزبی که خود از سابقه نادرخشانی برخوردار است و در یک دوره نیز همکار این رژیم بوده است.

کمیته مرکزی حزب توده ایران با انتشار اعلامیه ای از مردم خواسته است که به پای صندوقهای رای بروند و جالب است که این جهت گیری خود را در مسیر سازماندهی جنبش عمومی برای رهایی کشور از بندهای استبداد رژیم ولایت فقیه توصیف کرده است.

در مقاله حاضر با ذکر نکات اصلی این اعلامیه به ارزیابی آن می پردازیم. اعلامیه با این جمله آغاز می شود: «گامی درست در مبارزه ای دشوار و سرنوشت ساز»، ببینیم این گام درست کدام است. کاری به این نداریم که اعلامیه در آغاز، تحلیل نادرستی از وضعیت کنونی حاکم بر انتخابات به دست می دهد و اشتباه سیاسی این حزب از همین جا ناشی می شود. در این تحلیل به بازبینی حکم رد صلاحیت و تأیید دوباره مصطفی معین توسط شورای نگهبان و بنا به دستور خامنه ای اشاره می شود و آنرا چنین توصیف می کند: «توطئه شورای نگهبان و ولایت فقیه با مبارزه هوشیارانه نیروهای اجتماعی و طیف وسیع نیروهای سیاسی در هم شکسته شد» و به این نکته می پردازد که حکم حکومتی خامنه ای در اثر ترس از عکس العمل اعتراضی توده ها و خطر گسترش آن انجام گرفته است، اما آیا معین به عنوان نماینده توده های مردم ایران در این انتخابات شرکت می کند که رد صلاحیت وی با اعتراض توده ای مواجه شود؟ مسلم است که معین نمایندگی تنها بخشی از اصلاح طلبان دولتی را برعهده دارد و نماینده طبقات

خراج تنی چند از دانشجویان

دانشگاه پیام نور سقز

بنا به خبری که از شهر سقز به ما رسیده است، تعدادی از دانشجویان دانشگاه پیام نور سقز در حالی که مشغول ورزش بوده‌اند با بی‌احترامی و حرف‌های رکیک یکی از مسئولین دانشگاه روبرو می‌شود. دانشجویان در حالی که از این برخورد خشمگین می‌شوند به اتاق وی می‌ریزند و وسایل اتاق وی را به هم می‌ریزند. دانشگاه نیز در واکنش به این حادثه دستور اخراج این دانشجویان را صادر می‌کند. لازم به ذکر است که بیشتر این دانشجویان اهل سردشت بوده‌اند.

دستگیری تعدادی از

دانشجویان در سخنرانی

قالباف در ایلام

بنا به گزارش خبرگزاریها، صبح روز پنجشنبه، ۱۲ خرداد ماه جاری، مزدور قالبیاف به دانشگاه ایلام رفته و به سخنرانی پرداخته است. در موقع سخنرانی نامبرده، اکثراً دانشجویان بر ضد او و انتخابات نمایشی در پیش رو شعار میدادند و از وی به عنوان قاتل کوی دانشگاه نام می‌بردند. در چند نوبت قالبیاف خواست که به سخنانش ادامه دهد، اما دانشجویان شعار سر میدادند، "ندای هر آزاده تحریم انتخابات". در این مرحله نیروهای سپاه تعدادی را به عنوان اخلاک‌دستگیر کردند و جلسه متشنج شد.

فعالیت تبلیغی در مریوان

بنا به خبری که از مریوان به ما رسیده است، فعالیت تبلیغی گسترده و مستمری در روزهای گذشته از سوی رفقای کومه‌له در این شهر صورت گرفته است. بنا به این خبر، تراکتها و اعلامیه‌های کومه‌له به مناسبت تحریم انتخابات به طور گسترده در میان مردم و خصوصا در محله‌های استادبوم و سردوشیها پخش شده است. همچنین در ادامه فعالیت تبلیغی رفقای کومه‌له، شب یکشنبه گذشته، در روستای "سیف پائین" اعلامیه‌های کومه‌له به مناسبت تحریم انتخابات در پیش روی ریاست جمهوری، به گستردگی در میان مردم پخش شده است.

اخبار کردستان



فعالیت تبلیغی در بانه

بنا به خبری که از شهر بانه به ما رسیده است، در چند شب گذشته، فعالیت تبلیغی گسترده‌ای از سوی فعالین کومه‌له در این شهر انجام گرفته و تراکتها و نوشته‌های کومه‌له به طور گسترده‌ای در سطح شهر پخش شده است. محله‌هایی که این فعالیت تبلیغی گسترده در آنها انجام گرفته عبارتند از: خیابان بیمارستان و کوچه‌های اطراف_ خیابان خمینی و محله‌های اطراف_ منطقه (بانه کون) و محله‌های اطراف_ خیابان دادگاه و کوچه‌های اطراف_ اطراف مسجد سید رضا.

فعالیت تبلیغی در بوکان

بنا به خبری که از شهر بوکان به ما رسیده است، چند روز پیش در شهر بوکان، رفقای کومه‌له تبلیغات وسیعی را در سطح این شهر به انجام رسانیده‌اند. محلاتی که تحت پوشش فعالیت‌های تبلیغی رفقای کومه‌له قرار گرفته‌اند عبارتند از: چهار راه اطلاعات_ خیابان عشایر_ خانقا_ کلیه دبیرستان و پیش دانشگاهیها_ خیابان ابوذر و محله ابوذر_ محله بیمارستان قدیم_ مجتمع فرهنگی و پارک ملت. لازم به یاد آوری است که این رفقا اکثر محلات را نیز با شعارهای کومه‌له تزئین نموده بودند.

فعالیت تبلیغی در سردشت

بنا به خبری که از شهر سردشت به ما رسیده است، در شهر سردشت نیز فعالیت تبلیغی گسترده‌ای از سوی رفقای کومه‌له انجام گرفته و سی دی های ۲۷ اسفند_ کنگره ده_ ۲۶ بهمن و فدرالیزم به طور وسیعی در سطح شهر پخش گردیده است. محله‌های که این فعالیت تبلیغی گسترده در آنها انجام گرفته عبارتند از: محله فرهنگیان_ محله آشان_ محله آلانیها_ پارک لاله_ شبکه (۲) و کانی مری.

فضای سرد انتخابات در جوانرود

بنا به خبری که از شهر جوانرود به ما رسیده است، مردم این شهر خود را برای تحریم یکپارچه و گسترده انتخابات آماده کرده و با پائین آوردن و پاره کردن پوسته‌های انتخاباتی و تبلیغاتی کاندیداها به رژیم جواب نه داده‌اند. مردم بیزار از رژیم حتی به کتک زدن افرادی اقدام کرده که مامور نصب پوسته‌های تبلیغاتی بوده‌اند. یکی از کسانی که در حال بازار گرمی برای انتخابات است شخصی به نام منصور کریمی منفرد است که موتور سوار بوده و در هنگام پخش پوسته‌های انتخاباتی توسط مردم آزادیخواه جوانرود تنبیه شده است.

فعالیت تبلیغی در مهاباد

بنا به خبری که از شهر مهاباد به ما رسیده است، تراکت و نوشته‌های کومه‌له به مناسبت تحریم انتخابات آینده ریاست جمهوری ایران در محله‌های این شهر از جمله، فجر، کوچه‌های اطراف مدرسه دخترانه شریف، سارم بیگ، زمینهای شهرداری، پارک ملا جامی و کوچه‌های پشت سینما و هلال احمر پخش گردیده است. همچنین بنا به این خبر، مردم مهاباد در هر تجمعی از تحریم انتخابات سخن گفته‌اند که عوامل رژیم را به هراس انداخته است.

حضور پیدا نکردن عضو هیات

تحریریه نشریه "پیام مردم" در

جلسه دادگاهی در سنندج

جلسه دادگاه اجلاس قوامی، روزنامه‌نگار و عضو هیات تحریریه "پیام مردم" کردستان طی هفته گذشته در حالی در شعبه اول دادگاه عمومی سنندج برگزار شد که وی در این دادگاه حضور نداشت. این روزنامه‌نگار، با اشاره به غیر علنی بودن جلسه دادگاه و عدم حضور هیات منصفه، گفت: به دلیل اینکه خواسته‌ام مبنی بر برگزاری علنی جلسه دادگاه با حضور هیات منصفه تامین نشد، از حضور در جلسه دادگاه اجتناب کردم، به همین دلیل دادگاه اعلام کرده است که به صورت غیابی حکم خود را صادر خواهد کرد.

خودکشی دختری

در سرپل ذهاب

بنا به خبری که از سرپل ذهاب به ما رسیده است، روز جمعه ششم خرداد، دختری به نام سودابه نظری ۱۸ساله، پس از یک اختلاف خانوادگی، اقدام به خودکشی کرد و جانش را از دست داد. بنا به این گزارش، این اتفاق پس از آن روی داد که برادر سودابه از ارتباط دوستانه وی با پسری مطلع می‌شود که پس از درگیری برادر سودابه با این پسر و زخمی کردن وی بنا به شکایت آن پسر قرار بود که یک روز بعد محاکمه شود. در نتیجه این اتفاق نگرانی و فشار روحی شدیدی دامنگیر سودابه می‌شود که به خودکشی وی با اسلحه می‌انجامد. ما به خانواده و بستگان سودابه تسلیت گفته و خواهان محو فرهنگی هستیم که با ایجاد مانع در برابر زندگی آزاد زنان و دختران کردستان آنها را به بن بست و خودکشی می‌کشاند.

نمایشگاه عکس

هورامان در مریوان

بنا به خبری که از شهر مریوان به ما رسیده است، روزهای یکم تا سوم خرداد، به مناسبت روز جهانی موزه و آثار باستانی، نمایشگاه عکس هورامان در نگارخانه شهر مریوان افتتاح شد و آثار هنرمند "سعید محمودی" در آن به نمایش درآمده و استقبال گرمی از سوی بازدیدکنندگان از این نمایشگاه به عمل آمد.

اخبار ابران



تشکیل نخستین سندیکای کارگری

به گزارش خبرگزاریها، سندیکای کارگران شرکت واحد به عنوان نخستین سندیکای قانونی در طول حیات جمهوری اسلامی، جمعه ۱۳ خرداد به طور رسمی تشکیل شد و مجمع خود را برگزار کرد. به گفته یکی از اعضای هیات موسس سندیکاهای کارگری این مجمع با حضور بیش از پنج هزار کارگر شرکت واحد برگزار شد که هنوز نتایج رای گیری اعلام نشده است. سندیکای کارگران شرکت واحد که پس از کشمکش های بسیار از سوی گروه های مختلف برگزار شد هنوز هیچ واکنشی را از سوی وزارت کار نداشته است. این درحالی است که گفته می شود چند روز پیش مدیرکل اداره کار استان تهران به طور شفاهی از اعضای سندیکای شرکت واحد خواستار توقف برگزاری مجمع را داشت که با ارائه مواد قانونی از سوی کارگران، مخالفت خود را پس گرفت. گفته می شود در مدت سه ماه گذشته به علت اختلافات موجود ۱۴ هزار نفر از کارگران شرکت واحد به خاطر راه اندازی سندیکا اخراج شده اند. در حال حاضر شرکت واحد ۱۴ هزار کارگر دارد که بیش از پنج هزار نفر از آنها برای رای گیری در این مجمع مشارکت داشتند.

جوانان ۲۸ درصد بیکاران کشور

را تشکیل می دهند

به گزارش خبرگزاریها، رحیم عبادی، رئیس سازمان ملی جوانان ابراز داشته که نرخ بیکاری جوانان فارغ التحصیل طی سالهای ۷۵ تا ۸۳ به ۱۵/۶ درصد رسیده که حاکی از رشد ۴ برابری است. عبادی در دومین همایش اشتغال و نظام آموزش عالی کشور با بیان این که ۸۷ درصد بیکاران کل کشور را جوانان تشکیل می دهند، گفت: گروه هدف ما برای اشتغال ۹ میلیون جوان واجد شرایط برای اشتغال است که دسترسی به شغل ندارند. از سوی دیگر متأسفانه روند بیکاری ما در کشور به سمت جوانان تحصیل کرده در حرکت است. وی در ادامه بیکاری زنان را یکی از مشکلات آینده کشور دانست و با بیان این که این نرخ دو برابر نرخ بیکاری مردان خواهد بود، اظهار کرد: در سال ۸۳ نرخ بیکاری جوانان فارغ التحصیل ۱۵/۶ درصد بوده که این نرخ در مقایسه با سال ۷۵، چهار برابر رشد کرده است.



اخبار کردستان



گزارشی از فضای انتخاباتی در کردستان

به گزارش خبرگزاری کردستان شرقی، این روزها به منظور انجام تبلیغات انتخاباتی، کاندیدهای ریاست جمهوری کردستان را مورد توجه خاص خود قرار داده اند. در ادامه این توجهات معین کاندید اصلاح طلب به شهر روانسر سفر کرده که تنها ۱۰۰ نفر حاضر به حضور در جلسه سخنرانی وی شده اند. نامبرده به شهر جوانرود نیز رفته که موفق به دیدار جمعی تنها با ۲۰۰ نفر شده است. وی در این زمینه وعده هایی به جوانان داده و همچنین در زمینه گسترش آزادیها سخن رانده که با بی توجهی مردم روبه رو شده است. بطور کلی مردم در این دو شهر حاضر به شرکت در انتخابات نیستند. همچنین قالیباف به یکی از مزدوران محلی قدیمی (جاش قدیمی) با نام فتح الله نوری در این منطقه مبلغ ۵ میلیون تومان جهت انجام امور تبلیغاتی به نفع خود کمک مالی کرده است. همچنین در این مناطق دولت به سران عشایر گفته که باید در انتخابات شرکت کرده و دیگران را نیز تشویق به شرکت در انتخابات نمایند. خبرها از شهرهای پاوه و نوسود نیز حاکی از آن است که مردم حاضر به شرکت در انتخابات نیستند. اوضاع انتخاباتی در شهر ایلام نیز همانند استان کرمانشاه واقع در کردستان ایران می باشد. در این شهر نیز مردم به طور عموم و طیف روشنفکر بخصوص حاضر به شرکت در انتخابات نیستند.

استقبال سرد مردم کرمانشاه از سخنرانی قالیباف

بنا به خبری که از کرمانشاه به ما رسیده است، قالیباف یکی از کاندیدهای انتخابات ریاست جمهوری است که از کرمانشاه بازدید کرده و باشماری از محصلان و دانشجویان این شهر بحث کرده و با دادن وعده های تو خالی به بازار گرمی برای خود پرداخته که با بی توجهی و سردی مردم و دانشجویان روبرو شده است. بنا به این خبر قالیباف قصد دارد که از شهر جوانرود نیز دیدن کند اما بی شک در آنجا نیز با بی اعتنائی مردم روبرو شده و بیشتر از پیش رسوا خواهد شد.

استقبال سرد مردم مهاباد از معین

بنا به خبری که از شهر مهاباد به ما رسیده است، چندی پیش مصطفی معین در بازدید خود از شهر مهاباد تجمعی در مسجد سور این شهر برگزار کرد که گفته می شود تنها ۲۵ نفر در آن حضور داشته اند. معین در این تجمع سخنرانی کرده و به سر دادن وعده وعیدهای تو خالی به مردم پرداخته است. جالب است که معین در این سخنرانی به قاضی محمد درود فرستاده و با رفتن به گورستان شهر، بر سر قبر شاعر بزرگ کرد، هزار، گل سرخ گذاشته است.

فعالیت تبلیغی به مناسبت تحریم انتخابات در سقز

بنا به خبری که از شهر سقز به ما رسیده است، در روزهای گذشته، فعالیت تبلیغی گسترده ای به مناسبت تحریم انتخابات، از سوی رفقا و فعالان کومه له در این شهر انجام گرفته است. اماکنی که این فعالیت تبلیغی در آنها انجام گرفته عبارتند از: شهرک فرهنگیان_ میدان شهدا_ محله کانی گرمک _ بازار پائین_ اطراف شهربانی_ چومی ولی خان_ بلوار انقلاب_ اطراف مسجد عمر_ نشمیلان_ سیلو_ حافظ و سعدی.

زنده باد سوسیالیسم

واپسین رمقهای اصلاح طلبی دولتی در کردستان

بیش از چند روز بیشتر به انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری در ایران باقی نمانده است. چند ماهی است که گروه‌ها و تشکلات سیاسی از جناحها و گرایش‌های مختلف از محافظه‌کاران و اصولگرایان گرفته تا اصلاح طلبان دولتی و ...، اکثراً پیرامون بدنه سیاسی حاکم جهت بازار گرمی و تلاش برای جلب مشارکت مردم به جنب و جوش افتاده‌اند و فضای سیاسی کشور را تا حدودی از طریق رسانه‌ها و مطبوعات تحت تاثیر خود قرار داده‌اند. در کردستان نیز تحت تاثیر همین جو و فضا نوعی پلاریزه شدن بخشی از این گروه‌ها و تشکلات سیاسی به چشم می‌خورد که دست به تبلیغ و تشکیل تجمعاتی درباره میان طیف موسوم به اصلاح طلبان کردستان با برگزاری نشسته‌ها و تجمعات متعدد و دعوتی چند از کاندیداهای اصلاح طلب جهت سخنرانی اقداماتی را به عمل آورده‌اند. اصلاح طلبان کردستان نهایتاً به دنبال نشستهای خود، طرحی ۱۵ بندی را به عنوان مطالبات خود و مردم کردستان به تصویب رسانده‌اند که بیانگر درخواست‌هایی از رئیس جمهور منتخب آتی برای برآورده نمودن این حقوق می‌باشد. در کل اصلاح طلبان کردستان در صدداند که اینبار مشارکت به اصطلاح وسیع مردمی را به پای صندوقهای رای جلب نموده و رئیس جمهور مورد اطمینان خود (مصطفی معین) را انتخاب و از طرف دیگر به خیال خویش مطالبات و حقوق مردم کردستان را مرتفع نمایند.

آنچه قبل از هرچیز در این روزها علی‌رغم بازار گرمیهای نمادین و به آب و آتش زدنهای جناحهای سیاسی و خصوصاً اصلاح طلبان چه در سطح سراسری و چه در سطح کردستان جلب توجه می‌نماید، عدم رغبت و استقبال مردم و بدنه جامعه از این حرکات بوده و تبلیغات جراید و رسانه‌ها و تمامی عملکردهای سیاسی بیشتر در بدنه سیاسی نزدیک به دستگاه حاکمه محدود و منقبض مانده است. و اما اصلاح طلبان خوش خیال کردستان در چه زمان و شرایطی مصمم‌اند که مردم کردستان را به پای صندوقهای رای کشانده و حقوق خلق کرد را نمایندگی نمایند؟ این سوالی است که باید در اینجا به آن جواب داده شود:

۱- بر همگان میرهن است هنگامی که بحث از اصلاحات دولتی به میان کشیده میشود، آنچه که به ذهن متبادر میگردد، تجربه ناکام و شکست خورده روند موسوم به اصلاحات دولتی به رهبری خاتمی بعد از دوم خرداد ۷۶ به درازای ۸ سال پی در پی میباشد. اصلاحات دولتی هنگامی بر بدنه سیاسی و اجتماعی جامعه پرتب و تاب ایرانی شکل گرفت که بیش از بیست میلیون رای پشت سر چنین روندی قرار گرفته بود که نمایندگی آنها اصلاح طلبان درون دولت برعهده گرفتند، اما با سپری شدن زمان، بر افکار و اذهان عمومی داخل و خارج کشور مشخص گردید که رفرمیسم دولتی به این شکل و با برجای ماندن ولایت فقیه و در چهارچوب قانون اساسی مبتنی بر

سالار پاشایی

شریعت اسلام غیر ممکن و فریبی بیش نیست که در صد حفظ تمامیت ارضی و نظام اسلامی حاکم میباشد. خاتمی و اصحابش نه تنها نتوانستند ابتدایی‌ترین خواست و مطالبات اقشار مختلف جامعه را برآورده نمایند، بلکه در نهایت افلاس حتی نتوانستند یاران نزدیک خویش را هم از گزند تعرضات افراطیون محافظه-کار مصون بدارند و بخش زیادی از آنان مورد حمله و دستگیری و زندان قرار گرفته و از کار برکنار گردیدند. بی وظیفه کردن دولت، بی نقش شدن مجلس و مترسک شدن خاتمی، نتیجه تلاش برای اصلاحات در درون سیستمی بود که اصلاح طلبان ایران علی‌رغم پایه اجتماعی خود، آنها را از اقتدارگرایان تندرو هدیه گرفتند. ولی در کردستان وضع از این بدتر شد، آنهم اینکه اصلاحات دولتی در کردستان در طول این هشت سال هرگز نتوانست نفوذ و پایگاه اجتماعی کسب نماید و هرگز به وزنه‌های سیاسی و سنگین میدل نگشت که بتواند حتی درجه‌ای از خواست و مطالبات واقعی مردم کردستان را نمایندگی نماید.

۲- تغییر و تحولات دو سال اخیر در ادامه تغییرات سیاسی خاورمیانه با دخالت نیروی نظامی آمریکا، فروپاشی بعث در عراق و تاثیرات مثبت آن در کردستان عراق که در مجاورت کردستان ایران قرار دارد و نقش و مشارکت مهم کردها در تشکیل دولت جدید و موقت عراق و نهایتاً انتخاب آقای جلال

طالبانی به عنوان رئیس جمهور جدید عراق، مهمترین رویدادهای سیاسی‌ای هستند که به لحاظ سیاسی، اجتماعی و سایکولوژی، تاثیرات همه جانبه‌ای را بر کردستان ایران و مردم آن برجای گذاشته است. به غیر از این، جنبش کردها در بخشهای مختلف کردستان و در ادامه مبارزات خونین آنها به مرحله‌ای نوین ارتقا یافته به گونه‌ای که دیگر در سطح جهانی مسئله‌ای مهم و مطرح بوده که توجه افکار جهانی و دولتهای مقتدر دنیا را به خود جلب نموده است. دیالکتیک انکار و مقاومت، طی سالیان متمادی میرود که هر روز جنبش کردها در هر بخش را به پای فشاری هرچه بیشتر بر هویت واقعی و پامال شده خویش که دل در هوای نیل به قدرت و سروری بر سرزمین خویش-اند، واداشته است و این دیگر برای دولتهای اشغالگر منطقه تبدیل به مسئله‌ای اساسی و غیر قابل انکار گردیده است. با این وصف فضای سیاسی کردستان ایران نیز عاری از این تغییر و تحولات و تاثیرات نبوده و نخواهد بود.

۳- با نگاهی اجمالی و گذرا بر رویدادهای سیاسی چند سال اخیر کردستان ایران، به خوبی برآیمان روشن میگردد که اعتراضات پی در پی مردم شهرها و روستاهای کردستان در مناسبت‌های مختلف از ابراز شادی و شوق گرفته تا درگیریهای خیابانی و حمله به مراکز دولتی و نیروهای رژیم و در بسیاری موارد درگیریهای خونین در ادامه اعتراضات وسیع چند روزه، نشانگر استمرار وجود جنبش اجتماعی وسیعی است که بعد از سپری

نمودن یک دوره مقاومت مسلحانه و رکود سنگین تحت خفقان و قربانی داندنهای فراوان، کمر راست نموده و سرسخت‌تر از سالهای گذشته و هر روزه بر حقوق سیاسی و ملی و دمکراتیک خویش در برابر استبداد مذهبی و بیرحم حاکم پافشاری نموده و می‌خواهد آنها را به سرمنزل دمکراسی برساند. در مقابل، واکنش سرکوبگران حاکم در تمامی موارد، برخورد شدید و سرکوبگرانه و به قتل رساندن وحشیانه حتی کاسیکاران بیگناه مرزی و دستگیری جمعی مردم و جوانان و شکنجه و زندانی کردن آنها بوده است. واقعاتی دردناک که غیر قابل انکار بوده و افشار مختلف جامعه کردستان به خوبی بر آن آگاه می‌باشند. با آگاهی به این مسائل در اینجا لازم است که چند سوال را از آنهاپی که مدعی و مدافع نفوذ و تاثیرات اصلاح طلبی دولتی در کردستان هستند به عمل آوریم: بعد از سپری شدن هشت سال از روند موسوم به اصلاحات دولتی، کدام بند قانون اساسی در مورد مسئله ملیتها به انجام رسیده است؟ کدام عقب ماندگی اقتصادی و تبعیض عامدانه، جریان شده و چند درصد از فقر و بیکاری و اعتیاد نزول یافته است؟ چه سطح از نگرش امنیتی و تحقیر فرهنگی به کردستان کاهش یافته و چه حقوقی به لحاظ سیاسی، مدنی و فرهنگی به جامعه اعطا شده است؟ برعکس مگر این تنها در کردستان نیست که اجرای اعدام‌های سیاسی در آن به قوت خود باقی است؟ مگر نشریات و روزنامه‌نگاران و شخصیت‌های سیاسی و «««««»»»



ادامه وابسین

رمقهای

اجتماعی به شیوه‌ای مضاعفتر از بخشهای دیگر ایران تحت فشار قوه قضاییه و دادگاههای رژیم در کردستان قرار نگرفته‌اند؟ مگر هم اکنون ابتدایی‌ترین حقوق و آزادیهای فردی و جمعی مردم کردستان به تاراج نرفته؟ آیا آن دور دوم اصلاحات و تقویت و پیشبرد روند دموکراتیزاسیون در کردستان که آقایان اصلاح طلب کرد مدعی‌اش هستند، بر این زمینه‌های مساعد فوق‌الذکر مورد اجراست؟!!!! واقعاً بعد از سپری شدن بیست و شش سال از حاکمیت استبداد مذهبی، تازه باید حقوق واقعی مردم کردستان را به اجرای بند ۱۲ و ۱۵ قانون اساسی که یک نسل پیش آنرا تصویب کرد، تقلیل داد و مشارکت نیروهای توانمند محلی در راس مدیریتهای کلان دولتی را به عنوان خواستهای اساسی مردم کردستان فرموله کرد که معلوم نیست چه ضمانت اجرایی در رویا و خیال به آن جامه عمل می‌پوشاند؟ حال بماند که در برخی از بیانیه‌ها خود آقایان اصلاح طلب کرد، ملت کرد را "جامعه اهل سنت" قلمداد نموده و بدینوسیله همگام با فاشیزم مذهبی حاکم بر یک سور دمیده‌اند و در تلاشند که عامدانه خواست ملی مردم کردستان را به منازعه‌ای مذهبی تقلیل داده و این جنبه قضیه را بیشتر برجسته نمایند و شاید هم از برجسپهای مقامات حاکم (قومیت گرا و تجزیه طلب) هراسانکند که این گونه ادیبانی را اتخاذ فرموده‌اند.

راه حل کم

هزینه!!!!

در این گیر و دار چند

سالی است که برخی از اصلاح طلبان کردستان به نقد جانبدارانه و شدید دروه قبل مقاومت مسلحانه در کردستان پرداخته و اینبار نیز برخی از مصیبت‌های آن دوره و کنونی مردم کردستان را ناشی از مقاومت مسلحانه احزاب سیاسی کردستان و نحوه عملکرد آنها میدانند و با لحنی سرزنش آمیز در این دوره نیز اپوزیسیون کردی را نصیحت مینمایند که راه حل کم هزینه را اتخاذ نمایند و مشی اصلاح طلبان را در پیش گیرند. جای بسی تمسخر است که مدعیان این تر یا باید از فقر آگاهی تاریخی شدیدی برخوردار باشند و یا عامدانه آنرا به تحریف میکشانند که اینگونه یک طرفه و جانبدارانه قضاوت نموده و خود را دایه مهربانتر از مادر مردم کردستان تلقی می‌نمایند. اولاً هیچکسی مدعی نیست که احزاب سیاسی کردستان در آن دوره فارغ از ضعف و خطا بوده‌اند، اما قطعاً خواست مردم کردستان را نمایندگی کرده اند. دوماً اینکه در این نظر معلوم نیست چرا دولت مرکزی از فجایع و جنایاتش در کردستان تبرئه شده و مقاومت مسلحانه مردم کردستان که در حقیقت واکنشی بود به ددمنشی و میلیتاریسم رژیم به سرزمین و حقوق مردم کرد، محکوم شده است؟ سوماً آن مقطع مشخص تاریخی چه ربطی به حال حاضر دارد که بسیاری از شاخصهای سیاسی و اجتماعی تغییر یافته و پیرو شرایط و موقعیت نوینی می‌باشد؟ در حالی که بر همگان عیان است که حرکت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در بطن جامعه کردستان می‌رود تا جدای از هر تعلق انحرافی با مد نظر قرار دادن تجربیات گذشته، خواستها و مطالبات خود را در سطح توده‌های مطرح و کانالیزه

نمایند؟ اگر صرفاً مشارکت مردمی در انتخاباتی که از نظر نگارنده مستقیماً مشروعیت دهنده‌ی سیستم حاکم می‌باشد، راه حل کم هزینه فرض شود، بدون شک به لحاظ سیاسی ارزیابی غیر منطقی و نادرست و خطایی فاحش است. با تمام مواردی که در بالا ذکر شد، حرکت کنونی اصلاح طلبان کردستان در آستانه انتخابات ریاست جمهوری، نشان دهنده اینست که الحق بعد از سپری شدن تمامی این سالها، این آقایان درسی نیاموخته و هنوز اندر خم یک کوچه‌اند و بس. به نظر من هنگامی که بحث از عدم مشارکت یا تحریم انتخاباتی به میان کشیده میشود، در درجه اول این جزو حقوق بی قید و شرط هر فردی است در آن شرکت نماید یا آنرا تحریم کند، در ثانی بر عکس ارائه فرصت طلبانه هر نوع تصویر پاسیفیستی از موضع تحریم، مردم باید تحریم فعالانه و اکتیورا در چنین انتخاباتی اتخاذ نمایند و با جرأت و جسورانه در امتداد دیگر حرکت‌های اجتماعی و سیاسی مسالمت آمیز خویش در تحریم و تبلیغ برای چنین امری کوشا و فعال باشند. اما آیا واقعاً رژیم حتی چنین اجازه‌ای را به مردم میدهد؟ بیگمان نه و فوراً و پیشاپیش در حال حاضر هم حتی برخی از خودبهای ناراضی سر به حکومت نیز که در صدد تحریم انتخابات هستند، از جانب کسانی مانند یونسی وزیر اطلاعات و امثالهم، به براندازی و خیانت بر علیه نظام محکوم میشوند و عواقب آنهم مشخص است که به کجا ختم میگردد، چه برسد به مردم رنجیده کردستان.

ختم کلام:

از نظر نگارنده این سطور، در این مقطع

حساس تاریخی که تمامی خاورمیانه و ایران و کردستان در برابر تغییر و تحولات سیاسی قرار گرفته و اوضاع ملت‌ب سیاسی هر لحظه در حال تغییر است باید همگان بر این امر آگاه باشند که:

الف) اگر جناحین حاکم از اصولگرا و محافظه‌کار گرفته تا اصلاح طلبان دولتی در این مقطع و بعد از پشت سر نهادن هشت دوره از انتخابات ریاست جمهوری در تاریخ حاکمیت مستبد جمهوری اسلامی، بیشتر بخشی از تبلیغات خود را متوجه کردستان و آرای مردم کرده‌اند، به غیر از به کار گرفتن عقلائیتی ابزار و موزیانه و سوء استفاده از آرای کردها برای کسب مشروعیت بیشتر رژیم خود، هیچ چیز دیگری نیست.

ب) تجربه سالیان مدید ثابت نموده است که نوع نگرش تمام جناحهای حاکم نه تنها در گذشته و حال بلکه اگر تمام حاکمیت نیز در فراداهای آتی در دست هر جناحی قبضه شود، نسبت به کردستان تغییری اساسی نخواهد کرد و حقوق خلق کرد که عبارت از حق تعیین سرنوشت برای مردم کردستان میباشد، توسط هیچ یک از جناحین جمهوری اسلامی برآورده نخواهد شد و خیالی واهی بیش نیست اگر احقاق حقوق واقعی مردم کردستان از دستگاه حاکم انتظار رود.

پ) شواهد و قراین نشانگر این مسئله است که در این دوره انتخابات پیش رو، اکثریت قاطع مردم کردستان حاضر نخواهند بود در چنین انتخاباتی غیر دموکراتیک و فرمایشی مشارکت نمایند و یا به پای صندوق‌های رای بروند، اصلاً بدنه جامعه و جنبش در حال حرکت کردستان میل و رغبتی به چنین حرکت سیاسی‌ای ندارد که مشروعیت جمهوری

اسلامی را در انظار همگان به ثبت برساند. اصلاح طلبان کردستان نیز اگر در این مقطع مشخص تاریخی در حالیکه در این روزها روند موسوم به اصلاح طلبی دولتی نیز وابسین رمقهای خود از پیکره فنوت و شکست خورده خود را مصرف می‌نماید، خلاف جریان واقعی جامعه خود حرکت نمایند، بیگمان طرد و از قافله جنبش عمومی عقب خواهند ماند.

و نهایتاً اینکه باید بگویم اگر میل به عقلائیت، آزادی، دموکراسی و عشق به عدالت اجتماعی در جامعه کردستان و خصوصاً در میان اقشار روشنفکر و زحمتکش موج میزند، باید نخبگان و سرآمدان سیاسی و فکری جامعه، در راستای روند واقعی سیاسی - اجتماعی و فرهنگی جامعه کردستان، چاشنی کمک کننده و هدایت کننده بهتر توده‌های مردم کردستان در این مقطع مهم تاریخی باشند و نقش واقعی خود را بدون هیچ هراسی از مستبدان حاکم ایفا نمایند. جنبش آزادیخواهانه و دموکراسی طلب کردستان، سالهاست که فرار و نشیبهای مبارزاتی خود را پشت سر نهاده و احزاب سیاسی خود را نیز دارا است، همزمان نیز زمینه ساز برآمدن جریانات و تشکلهای نوین دموکراسی طلب می- باشد که در خود نمایانگر تنوع و تکثر و میل به برقراری پلورالیسم سیاسی و فکری و استقرار فدرالیسم در حال رشد است. بدون شک جنبش اجتماعی و سیاسی اقشار مختلف جامعه کردستان به مانند هرجامعه‌ای دیگر مسیر واقعی دموکراسی خواهی را طی می‌نماید و در نهادینه کردن آن تلاش خواهد کرد.



میزان تلفیق تعطیلات ما با دنیا موجب فشار کاری و عدم ارتباط موفق و قوی ایران با جهان در بخش تجاری و اداری است.

جمهوری اسلامی در توجیه مخصوصه‌ای که ساخته و پرداخته دست خود است، اینگونه استدلال میکند که گویا علیرغم توافق نظرات در کاهش تعطیلات، اما بخاطر واکنش جامعه در مورد حذف هر یک از مناسبت‌های مذهبی و ملی، این موضوع دچار گیری لاینحل است. چنین توجیه ناشیانه‌ای هرگز قادر به قانع ساختن افکار عمومی در گره گشائی از این مشکل نیست و باید با توضیح صریح واقعیات با آنها برخورد کرد. از آنجا که دوره حاضر، عصر سرعت، تغییرات بنیادی و مدرنیته است و دنیا خود را با ساختار روزانه جهانی تطبیق میدهد، با محدود ماندن به خرافه‌های مذهبی و عنوان بی مسمای ارزشهای دینی نمی توان و نباید از گسترش صنعتی، اقتصادی و فرهنگی جامعه جلوگیری کرد.

تا زمانی که تطابق با دنیای خارج و چگونگی تغییرهای اجتماعی، دستوراتش را از حوزه‌های علمیه و مراکز دینی دریافت دارد، تا زمانی که چنین تغییرات بی عنوانی بروز دهنده تنش در جامعه باشد و تا زمانی که ساختار سیاسی پیش از آنکه خدمتگذار منافع عمومی و توسعه اجتماعی سیاسی جامعه باشد، به فکر پرکردن حسابهای بانکی صاحبان امور در سوئیس و دیگر نقاط اروپا باشد و جنگ زرگری برای روتوش کردن چهره جمهوری اسلامی به منظور حفظ بقا تداوم یابد، ایران رونق و اصلاحات به خود نخواهد دید.

نگاهی به تعطیلات غیر ضروری در ایران

فرازها

ایران رویه اتمام است و اینک که مقامات رژیم اسلامی خود را در محاصره بین‌المللی می‌بیند و با اطلاع کامل از اهداف غرب، نفت و دلارهای نفتی را به اسلحه سیاسی برای تامین منافع خود و افزایش امنیت رژیم تبدیل کرده‌اند، آنچه که همواره مورد توجه زمامداران امور در ایران اسلامی بوده است، پر کردن جیبهای گشاد روحانیون حاکم و ریخت و پاشهای زیاده از حد دستگاه ولایت و اگر هم چیزی باقی بوده باشد، صرف اختلاسها و رانت خواربهای آقایان و سران دانه درشت این دستگاه نامگرا و تاراجگر شده است و آنچه نصیب مردم بوده، چیزی جز فقر و فلاکت روز افزون، افزایش شکاف طبقاتی و بی حقوقی مغرط نبوده است.

در ادامه ذکر آثار مخرب تعطیلات غیر ضروری بر اقتصاد ایران باید افزود از آنجا که در کشور ما از قدیم الایام تا به حال جمعه‌ها تعطیل بوده است و جمهوری اسلامی به عنوان حفظ فرهنگ و سنت حاضر به ایجاد تغییر در آنها نشد و تا زنگها پنجشنبه‌ها را هم بر کوران این تعطیلات افزوده است، اساساً ایران با دنیا در تعارضی کاری _ روابطی قرار گرفته که قابل وصف نیست، زیرا اختلاف تعطیلی ساختار فعلی ایران با دنیا باعث میشود در مواردی که نیاز مشخص به تعامل با دنیا است، در عمل چهار روز از هفته را در تعطیلی به سر ببریم. چون آنها شنیه و یکشنبه را آخر هفته می‌دانند که این

است، عملاً دست کسانی را که به قصد کاهش این تعطیلاتهای غیر ضروری راهکارهایی در ذهن دارند، بسته است.

تعطیلات پرشمار، بر پایه گزارشهای رسمی دولت جمهوری اسلامی، اقتصاد از هم پاشیده ایران را در مقایسه با سایر بخشها در معرض بیشترین آسیب پذیری قرار داده است. اهمیت این موضوع زمانی مورد توجه قرار می‌گیرد که به اقرار همین خبرگزاری دست راستی، کاهش پنج روزه از تعطیلات حدود ۲ هزار میلیارد تومان به تولید ناخالص داخلی می‌افزاید. بی توجهی عوامل و عناصر سیاست گذار در جمهوری اسلامی به چنین زبان هنگفتی بر این واقعیت همیشه موجود مهر نائید زده است که خانه خرابی و از هم گسیختگی اقتصاد جامعه ایران در نگاه کلی و تک تک خانواده‌ها در نگاه تک بعدی در همان حال که با واسطه‌گری همین رژیم به پیش رفته و می‌رود، به همان اندازه نیز با بی اعتنائی همین جنابان مواجه است. بازگشت فشارهای اقتصادی کمرشکن بر طبقه کارگر و زحمتکش ایران هرگز مسئله فکری و دغدغه سیاست- پردازان عرصه سیاست در جمهوری اسلامی نبوده است چرا که قبلاً چه در دوران جنگ ارتجاعی هشت ساله و چه بعد از آن تا سال ۷۶ که دوران به اصطلاح سازندگی نامگذاری شد و تا امروز هم که عمر هشت ساله اصلاح طلبی دینی در

خبرگزاری دست راستی فارس در گزارشی آورده است که ایران با ۱۲۶ روز تعطیلی در سال از جمله کشورهای است که در مقایسه با دیگر کشورها گوی سبقت را در این زمینه روده است و با این حساب ۲۷ درصد ایام سال در ایران تعطیل است.

نظری بر این آمار بر هر شنونده- ای عیان میدارد که سیستم نهادینه شده غیر تخصصی تعطیلات در ایران که از همان اولین روزهای استقرار جمهوری اسلامی بر اساس تشخیصهای شرعی و مذهبی و برداشت از آموزه‌های دینی پی ریزی می‌شد، نه تنها آثار مخرب و ساختار شکنی بر وجوه اجتماعی و اقتصادی برجای گذاشته است، بلکه کثرت تعطیلات در ایران که شاخص رایج آن در دنیا ۱۰ روز است، صاحبان داخلی رژیم در عرصه مسائل اقتصادی و سیاسی را به این نتیجه رسانده است که تغییر وضع جاری باید در دستور کار قرار گیرد. نکته حائز اهمیت اینجاست که رسیدن به چنین توافقی نظری میان صاحبان امور در ایران اگرچه گام مهمی است اما در خود دارای چندین مانع جدی است که پرداختن به آنها به روشنی بحث ما کمک خواهد کرد. بعنوان نمونه نبود یک پیشنهاد مشخص و جامع در میان گردانندگان فعلی امور مانعی جدی است که تقریباً لاینحل نیز شده است، چرا که با تعطیلات تراشیهایی بی دلیل از مرگ ائمه اهل بیت گرفته تا وفات مراجع تقلید قبلی و فعلی به علاوه نامگذاری روزهای متعدد با عناوین بی مسمائی که فقط جنبه حفظ وجهه جمهوری اسلامی در آنها نهفته

عمر ایلخانیزاده:

omar.elkhani@komala.org

عبدالله کهنه پوشی:

Abdulladler@hotmail.com

پست الکترونیکی کمیته مرکزی کومه‌له:

Komala1348@hotmail.com

عبدالله مهندی:

abdulla.mohtadi@komala.org

رضا کعبی:

r.kaabi@komala.org

سیامک (ابوبکر) مدرسی:

s.modarresi@komala.org

شماره تلفن‌های نمایندگی کومه‌له در کردستان عراق: ۳۱۹۰۷۵۲ - ۳۱۵۰۲۸۹

شماره فاکس نمایندگی کومه‌له در کردستان عراق: ۰۰۴۴۷۰۴۳۱۹۰۷۵۳

شماره موبایل نمایندگی کومه‌له در سلیمانیه: ۰۷۷۰۱۵۳۷۴۶۵